

**Fakhreddin Hijazi's activities
in the Khorasan press in the 30s and 40s**

Seyed Mohamad javad Ghorbi ¹

Abstract

Fakhr al-Din Hijazi, who was famous as a speaker of culture during the Pahlavi era, pursued political activities and campaigns against the Pahlavi government in various fields, and one of his first actions to fight against the performance of the Pahlavi government was to cooperate and participate with the media of Sabzevar and Mashhad in his youth. Because of his fame for his speeches and speeches during Imam Khomeini's movement, his press activities have received less scientific attention. In the field of Khorasan press historiography, Hijazi's activities and actions have been given less attention, and considering the importance of Hijazi's activities in the field of press and publications, this article tries to answer this question by using library-documentary studies and analytical-descriptive method. What press activities did Fakhreddin Hijazi have in the 30s and 40s in Khorasan? The findings of the article show that one of Hijazi's first campaigning activities in the cultural field was cooperation and participation with the newspapers and press of Sabzevar and after that Mashhad. During his stay in Khorasan, he cooperated with Asrar Sharq, Jaloh Haqit, Khorasan and Astan Quds magazine. These collaborations were in several levels of writing, helping to provide articles, managing the magazine, developing cooperation with religious writers and creating a network of religious science researchers. It has been for writing articles for publications.

Keywords: Fakhruddin Hijazi, Israr Sharq newspaper, Jelve Haqigat newspaper, Khorasan newspaper, Astan Quds magazine, Khorasan province, press activity.

1. Master of Political thought in Islam, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Researcher of history of revolution and thought of Muslim thinkers, Tehran, Iran.

Email: ghorbi68@yahoo.com

Received:2023-05-02

Approved: 2203-10-28

فعالیت‌های فخرالدین حجازی در مطبوعات خراسان طی دهه‌های ۳۰ و ۴۰

سید محمد جواد قربی

دانش‌آموخته ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی،
پژوهشگر تاریخ انقلاب و اندیشه متفکران مسلمان، تهران، ایران.

Ghorbi68@yahoo.com

چکیده: فخرالدین حجازی که در عصر پهلوی به خطیب فرهنگ شهرت داشت، فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی علیه حکومت پهلوی را در حوزه‌های مختلف پیگیری می‌کرد و یکی از اولین اقدامات وی برای مبارزه با عملکرد حکومت پهلوی، همکاری و مشارکت با مطبوعات سبزوار و مشهد در دوران جوانی بود که به دلیل شهرتش به سخنرانی و خطابه در نهضت امام خمینی، فعالیت‌های مطبوعاتی وی کمتر مورد مذاقه علمی قرار گرفته است. در عرصه تاریخ‌نگاری مطبوعات خراسان، فعالیت‌ها و اقدامات حجازی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و با توجه به اهمیت فعالیت‌های حجازی در عرصه مطبوعات و انتشارات، مقاله حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی و روش تحلیلی-توصیفی به این سؤال پاسخ دهد که فخرالدین حجازی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ چه فعالیت‌های مطبوعاتی در خراسان داشته است؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که از اولین فعالیت‌های مبارزاتی حجازی در عرصه فرهنگی، همکاری و مشارکت با جراید و مطبوعات سبزوار بعد از آن مشهد بوده است. وی در دوران حضور در خراسان با روزنامه‌های *اسرار شرق*، *جلوه حقیقت*، *خراسان* و *مجله نامه آستان قدس* همکاری داشت که این همکاری‌ها در چند سطح نگارش، کمک به تأمین مقالات، مدیریت مجله، توسعه همکاری با نویسندگان دینی و ایجاد شبکه‌ای از محققان علوم دینی برای نگارش مقالات برای نشریات بوده است.

کلیدواژه‌ها: فخرالدین حجازی، روزنامه اسرار شرق، روزنامه جلوه حقیقت، روزنامه خراسان، مجله نامه آستان قدس، استان خراسان، فعالیت مطبوعاتی.

فخرالدین حجازی یکی از خطیبان انقلابی و فعالان سیاسی علیه حکومت پهلوی بود که در نهضت امام خمینی فعالیت‌های متنوعی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و آموزشی انجام داد و به دلیل کثرت سخنرانی‌ها در نقاط مختلف کشور و مراکز تعلیم و تربیت، دانشگاه‌ها، پایگاه‌های مذهبی نظیر مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و حتی منازل نیروهای انقلابی به خطیب انقلابی یا «خطیب فرهنگ» (قربی، ۱۴۰۲، ص. ۵۸) مشهور شد. توانمندی و فعالیت گسترده حجازی در عرصه سخنرانی سیاسی باعث شد سایر ابعاد زندگانی وی نظیر فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی وی مورد غفلت قرار گیرد و در پژوهش‌های تاریخ معاصر ایران، نام فخرالدین حجازی با سخنرانی‌های آتشین و انقلابی پیوند داشته و در آثار اندکی که در زمینه او وجود دارد، کمتر به فعالیت‌های مطبوعاتی و همکاری با جراید وی در سنین جوانی پرداخته شده است. این مسئله در حالی است که حجازی در جوانی با جراید منطقه‌ای و مجلات فعال خراسان ارتباط زیادی داشت و ضمن نگارش مقالات تحلیلی و سیاسی، مدیریت و امور اجرایی نشریات و مطبوعات مهمی در خراسان را بر عهده داشت. با توجه به پیشینه همکاری حجازی با نشریات خراسان، مقاله تلاش دارد برای نخستین بار، سابقه همکاری حجازی با نشریات خراسان را در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ مورد بررسی قرار دهد. مفروض مقاله به این قرار است که حجازی برای توسعه افکار سیاسی و اجتماعی خود در دهه‌های دوم و سوم زندگانی خود از ظرفیت مطبوعات خراسان بهره گرفت. حجازی مشارکت مؤثر و فعالی در مطبوعات سبزوار و مشهد برای حمایت از مردم داشت که مشاهده عملکرد وی در روزنامه‌های اسرار شرق، جلوه حقیقت، خراسان و نامه آستان قدس در دوران جوانی حجازی نشان از تلاش فکری حجازی برای رشد آگاهی مردم دارد که البته برخی از نوشتارهای مطبوعاتی حجازی با انتقاداتی از سوی مردم و برخی شخصیت‌های دینی مواجه بود؛ ولی بخش عمده فعالیت مطبوعاتی وی، تلاش برای اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم از وضعیت موجود و ترسیم ایدئال‌های سیاسی برای جامعه ایرانی بود.

پیشینه پژوهش

در زمینه زندگانی، فعالیت مطبوعاتی، عملکرد سیاسی و اجتماعی، اقدامات آموزشی و انتشاراتی، همکاری با مؤسسات دینی، مواضع فکری و اندیشه سیاسی حجازی آثار

جامعی وجود ندارد و با توجه به نقش مؤثر حجازی در نهضت امام خمینی، تقریباً کتاب منسجمی در زمینه زندگی و فعالیت‌های وی منتشر نشده است. منبع اصلی پژوهش در زمینه فخرالدین حجازی، کتاب فریاد بعثت: فخرالدین حجازی به روایت اسناد ساواک است و ناشر در ابتدا یک مقدمه کوتاه در مورد زندگی او نوشته است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳). دومین منبع، یادنامه فخرالدین است که عباس میقانی به مناسبت اولین سالگرد درگذشت فخرالدین حجازی آن را گردآوری کرده است (میقانی، ۱۳۸۷). این یادنامه شامل مجموعه مصاحبه‌های مطبوعاتی، خاطرات دوستان حجازی، گزیده سخنرانی مسئولین حکومتی در مورد فخرالدین حجازی و برگزیده اشعار و مقالات منتخب وی است.

زهیر زمانیان در پایان‌نامه «زندگینامه سیاسی و فرهنگی فخرالدین حجازی» (۱۳۹۶) شمای کلی از فعالیت‌های حجازی را مورد بررسی قرار داده است. پایان‌نامه مزبور نتوانسته فعالیت مطبوعاتی حجازی در استان خراسان را به صورت مبسوط و جامع مورد بررسی قرار دهد. موسی‌الرضا صادقی صفت در پایان‌نامه خود با عنوان «نقش خطابه در پیروزی انقلاب اسلامی با مطالعه حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی، استاد دکتر علی شریعتی و استاد فخرالدین حجازی» (۱۳۹۷)؛ و جوه فعالیت مطبوعاتی حجازی را بررسی نکرده و صرفاً بر سخنوری او تأکید دارد. نویسنده در طرح پژوهشی «زندگینامه فخرالدین حجازی» کلیاتی از زندگانی فردی، سیاسی، اجتماعی و علمی او را مورد بررسی قرار داده و در آن به فعالیت مطبوعاتی ایشان نظیر همکاری با نشریات، راه‌اندازی انتشارات بعثت، تولید نشریه در مدارس تهران، محتوای مقالات دینی و سیاسی اشاراتی شده است (قربی، ۱۴۰۲). در این اثر پژوهشی، وضعیت فعالیت مطبوعاتی حجازی به صورت کلی بررسی شده و از اسناد و گزارش‌های مندرج در پرونده حجازی در ساواک استفاده نشده است.

جدول شماره ۱. پیشینه پژوهش در زمینه زندگانی و عملکرد فخرالدین حجازی

ردیف	نویسنده/ گردآورنده	عنوان اثر	ناشر	سال نشر
۱	مرکز بررسی اسناد تاریخی	فریاد بعثت	مرکز بررسی اسناد تاریخی	۱۳۸۳
۲	عباس میقانی	یادنامه فخر دین	انتشارات بعثت	۱۳۸۷
۳	زهیر زمانیان	زندگینامه سیاسی و فرهنگی فخرالدین حجازی	پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی	۱۳۹۶
۴	موسی الرضا صادقی صفت	نقش خطابه در پیروزی انقلاب اسلامی با مطالعه موردی حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی، استاد دکتر علی شریعتی و استاد فخرالدین حجازی	پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد	۱۳۹۷
۵	سید محمدجواد قربی	شخصیت‌های مانا: فخرالدین حجازی	طرح پژوهشی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی	۱۴۰۲

بررسی آثار فوق نشان می‌دهد که تاکنون هیچ اثر مستقلی در زمینه فعالیت مطبوعاتی حجازی انجام نشده است و حتی در آثار منتشر شده، گاهاً به صورت سطحی و گذرا از این فعالیت‌ها در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ عبور کرده‌اند و تأکید مطالعات انجام شده، فعالیت‌های حجازی در حوزه سخنرانی و مواضع سیاسی بر اساس اسناد ساواک بوده است. با این اوصاف، مقاله حاضر دارای بداعت و نوآوری در عرصه مطالعات تاریخ مطبوعات مربوط به استان خراسان با تأکید بر فعالیت‌های حجازی در این مجلات و روزنامه‌ها در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ است.

اهداف و روش پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی فعالیت‌های مطبوعاتی فخرالدین حجازی در استان خراسان است و با توجه به این مسئله، نگارنده مترصد پاسخ به این سؤال است که فخرالدین حجازی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ چه فعالیت‌های مطبوعاتی در خراسان داشته است؟ برای پاسخ به سؤال اصلی ابتدا لازم است به سؤالات فرعی زیر پاسخ داده شود:

۱. فخرالدین حجازی چه فعالیتی در روزنامه *اسرار شرق* در سبزوار داشت؟
۲. فخرالدین حجازی چه فعالیتی در روزنامه *جلوه حقیقت* در سبزوار داشت؟
۳. فخرالدین حجازی چه فعالیتی در روزنامه *خراسان* داشت؟
۴. نقش مدیریتی حجازی در نامه *آستان قدس* چگونه بود؟

برای تحلیل و توصیف مسائل مطروحه، به آرشیو اسنادی، تاریخ شفاهی و پژوهش‌های منتشر شده در قالب مقاله، کتاب و پایان‌نامه رجوع شد و علاوه بر آرشیو مجلات مزبور، از خاطرات مربوط به عملکرد حجازی در این نشریات طی دهه‌های ۳۰ و ۴۰ که به صورت پراکنده و مختصر منتشر شده‌اند، استفاده گردید و برای استعانت از داده‌های استخراج شده از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و آرشیوی، روش تحلیلی و توصیفی برگزیده شد. جنبه‌های مطالعات توصیفی - تحلیلی پژوهش حاضر به این قرار است: به لحاظ موضوعی، ناظر بر عملکرد و فعالیت‌های حجازی در مطبوعات است و قلمرو مکانی پژوهش، خراسان با تأکید بر سبزوار و مشهد است. قلمرو زمانی شامل دهه‌های ۳۰ و ۴۰ است.

از منظر رویه انجام کار، بعد از استخراج داده‌های تاریخی مربوط به موضوع اصلی، آنها را دسته‌بندی کرده و با توجه به تاریخ زمانی فعالیت‌ها، داده‌های توصیفی به ترتیب در مقاله قرار می‌گیرند و با توجه به داده‌های ارائه شده، تحلیلی از عملکرد حجازی در مطبوعات ارائه می‌گردد که منطبق با داده‌های تاریخی خواهد بود.

زندگانی فخرالدین حجازی

فخرالدین حجازی در سال ۱۳۰۸ در سبزوار متولد شد. پدرش، شیخ محمد حجازی از روحانیون سبزوار بود. وی با وجود مشکلات اقتصادی و سختی در معیشت زندگی، ضمن اشتغال، به امر تحصیل پرداخت و با وجود وقفه در تحصیل، توانست به صورت متفرقه دیپلم دریافت نماید (میقانی، ۱۳۸۷، صص. ۹-۱۰). در این دوران، نزد اساتید سبزوار

و مشهد به تحصیل علوم دینی پرداخت (حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸، ص. ۱۱۸). وی در سال ۱۳۲۸ در وزارت فرهنگ استخدام شد. فعالیت‌های مطبوعاتی، اجتماعی و فرهنگی حجازی از دوره جوانی با تأسیس انجمن تبلیغات اسلامی و مجالس سخنرانی آغاز شد. او ضمن تدریس در مدارس سبزوار، در *روزنامه اسرار شرق* مقاله می‌نوشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد، دفتر *روزنامه جلوه* که حجازی با آن همکاری داشت، به آتش کشیده شد و او از سبزوار به مشهد گریخت و از آبان ۱۳۳۲ با سمت آموزگاری در مشهد مشغول به کار شد. وی با محمدتقی شریعتی مؤسس کانون نشر حقایق اسلامی و برخی اعضای کمیته جبهه ملی خراسان ارتباط برقرار کرد و در مشهد به فعالیت مطبوعاتی روی آورد. او توانست علاوه بر فعالیت در *روزنامه خراسان*، *مدیرنامه آستان قدس* شود. در این مدت، حجازی در منزلش جلسات تفسیر قرآن برگزار می‌کرد. در سال ۱۳۳۹ در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد فارغ‌التحصیل شد (شمس‌آبادی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص. ۶۴۱). در دوران فعالیت فرهنگی در مشهد و ضمن پرداختن به امر آموزش، به فعالیت ادبی مشغول بود و حتی محفل شعری در منزل خود برپا کرده بود (افضلی، ۱۳۹۵، ص. ۳۹).

او به دلیل مشکلاتی که با استاندار خراسان داشت و برخی از فعالیت‌های سیاسی علیه حکومت پهلوی، در سال ۱۳۴۱ به گیلان فرستاده شد (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۳۰). بعد از مدت کوتاهی، مجدداً به خراسان برگشت؛ ولی مشکلات زیادی پیش روی فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی وی وجود داشت و به همین دلیل تصمیم به مهاجرت گرفت و دور جدید زندگانی وی در تهران آغاز شد. او علاوه بر فعالیت در مدارس تهران، با حسینیه ارشاد نیز همکاری می‌کرد و سخنرانی‌های او با استقبال جوانان روبرو می‌شد (جودکی، ۱۳۸۸، ج ۱۳، صص. ۴۸۳-۴۸۲). حجازی در مسیر مبارزه فرهنگی و سیاسی با مراجع تقلید و روحانیون مبارز ارتباط برقرار کرد و حتی برای تأیید فعالیت‌های خود به نزد امام خمینی در نجف رفت (حجازی، ۱۳۵۹، صص. ۶-۷).

در تهران، علاوه بر سخنرانی در مراکز تربیتی و دینی، کلاس‌های قرآن برپا کرد و ارتباطش با حسینیه ارشاد منجر به توسعه فعالیت‌های قرآنی او شد (حجازی، بی‌تا، ص. ۱)؛ گروهی از نویسندگان، ۱۳۵۸، ص. ۴۲). در نیمه دوم دهه ۴۰، انتشارات بعثت را در تهران راه‌اندازی نمود و با همکاری دوستان نزدیکش، آثار مذهبی و سیاسی را منتشر می‌کرد (جعفریان، ۱۳۸۹، صص. ۴۶۰-۴۵۲). از سال‌های ۱۳۴۷ به بعد، نشر بعثت آثار ترجمه و

تألیفی زیادی را عرضه کرد که محتوای این آثار شامل مسائل جهان اسلام، احکام، قصص قرآنی، سیاست دینی، تفسیر قرآن و غیره می‌شد. جلسات سخنرانی حجازی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در منازل اشخاص مختلف، بازاریان، انجمن‌های دینی، هیأت‌های مذهبی، مهدیه‌ها، تکایا، مساجد، پاساژها، دفاتر شرکت‌ها و نیز در برخی مدارس بود. وی علاوه بر تهران، به تناوب در شهرهای آبادان، آمل، تبریز، شیراز، قزوین، کاشان، مشهد و یزد به ایراد سخنرانی پرداخته است (شیدایی، ۱۳۸۴، ص. ۲۴). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حجازی سه دوره نماینده مجلس شورای اسلامی شد (بیهقی، ۱۳۸۳، ص. ۲۹۱) و در دوران دفاع مقدس، حضور فعالی در مناطق جنگی داشت. وی ارتباط نزدیکی با رزمندگان داشته و حتی جلسات عقیدتی و سیاسی برای نیروهای ارتش برقرار کرد (حجازی، ۱۳۹۴، ص. ۵). وی بعد از پایان جنگ، مدتی در وزارت علوم و دانشگاه شاهد مشغول تدریس بود. بعد از این مدت کوتاه، مابقی حیات خود را در انتشارات بعثت مشغول فعالیت فرهنگی و مطالعاتی شد (زمانیان، ۱۳۹۶، صص. ۱۰۲-۹۸).

فعالیت فخرالدین حجازی در مطبوعات استان خراسان

روزنامه اسرار شرق

قدمت روزنامه‌نگاری در خراسان به دوره مظفری برمی‌گردد. تا سال ۱۳۰۰ در مجموع حدود بیست نشریه در خراسان منتشر شد که معروف‌ترین آنها نوبهار به مدیریت محمدتقی بهار بود که پس از یک سال فعالیت، در ۱۳۲۹ به سبب درج اشعاری برضد دولت روسیه و در نتیجه شکایت آن دولت، توقیف شد. سپس تازه بهار با همان شیوه منتشر گردید؛ اما پس از ۹ شماره، آن نیز در ۱۳۳۰ توقیف شد. در این دوره، سه مجله طب کنونی، الکمال و جهان زنان نیز فعالیت داشتند. از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰، حدود ۳۱ نشریه جدید، از جمله پنج مجله و چند سالنامه آغاز به کار کرد. محل نشر غالب این جراید، مشهد بود، به جز روزنامه آزادی که در تربت‌حیدریه نشر می‌یافت. برخی از روزنامه‌ها، نظیر طوس، آزادی و آفتاب شرق که از مطبوعات ملی و مردمی بودند، با آغاز حکومت پهلوی همسو با منویات حکومت به فعالیت خود ادامه دادند. پس از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بر تعداد نشریات افزوده شد، به‌ویژه در سال‌های پایانی دهه ۲۰، دوره رونق روزنامه‌نگاری خراسان بود. تعدادی از

جراید این دوره چپ‌گرا و وابسته به حزب توده بودند و برخی را نیز کنسولگری‌های شوروی و انگلیس در مشهد به چاپ می‌رساندند. جرایدی که در ۱۳۲۸ منتشر شدند، غالباً حامی سلطنت بودند؛ ولی از سال ۱۳۲۹ بسیاری از جراید تازه تأسیس، حامی جبهه ملی بودند. اوج نشر جراید در ۱۳۳۰ بود و از آن پس، علاوه بر مشهد، در کاشمر، بیرجند، سبزوار، قائنات، فردوس، قوچان و نیشابور نیز روزنامه‌نگاری آغاز شد. در مجموع تا کودتای ۲۸ مرداد حدود ۶۵ نشریه انتشار یافت که *روزنامه اسرار شرق* در سبزوار یکی از آنها بود (قدسی‌زاد، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص. ۲۲). صاحب امتیاز و مدیرمسئول *روزنامه اسرار شرق* محمدعلی صهبا از دبیران اداره فرهنگ بود (شمس‌آبادی، ۱۳۹۴، ص. ۳۴۳).

صهبا و همکارانش نظیر فخرالدین حجازی در این روزنامه نسبت به مشکلات مردم نظیر فقر عمومی، فقدان امکانات درمانی و آموزشی در سبزوار انتقاد داشتند و از مسئولان مربوطه و نمایندگان این شهر در مجلس، ایجاد فرصت‌های لازم را برای توسعه شهر خواستار بودند و تأکید نویسندگان *روزنامه اسرار شرق*، آسایش عمومی برای مردم از طریق توزیع ثروت و ارتقای سطح دانش عمومی بود (روزنامه *اسرار شرق*، ۱۳۳۰، ش ۱۸، ص. ۴).

در یکی از اسناد ساواک در زمینه فعالیت حجازی در *روزنامه اسرار شرق* آمده است که این روزنامه دارای افکار تند علیه حکومت بوده و شخص حجازی را عضو اصلی این روزنامه معرفی کرده است:

این شخص تا قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در سبزوار آموزگار فرهنگ و عضو حزب آزادی مردم وابسته به جبهه ملی بود و ضمناً *روزنامه اسرار شرق* را که دارای افکاری تند و کاملاً چپ و وابسته به افراطیون جبهه ملی بود در سبزوار منتشر می‌نمود تا اینکه در قیام ملی ۲۸ مرداد *روزنامه* این شخص را مردم در سبزوار آتش زده و حزب آزادی مردم که در مشهد هم تشکیلاتی داشت و آقای آموزگار کارمند اداره فرهنگ مدیر *روزنامه سپیدوسپاه* آن را اداره می‌نمود غارت شد و مردم این شخص را مضروب کردند و بالاخره مدتی در مشهد تحت تعقیب لشکر در آمد تا اینکه پس از مدتی از زندان آزاد و بیکار بود (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱).

همان‌طور که در گزارش فوق ذکر شده، روزنامه مزبور دارای وابستگی به جبهه ملی بود (امین، ۱۳۸۵، ص. ۳۳)؛ در این زمینه باید توضیح داد که مسئولان روزنامه بنابر وضعیت سیاسی کشور، مقاله‌هایی را با محتوای سیاسی و اجتماعی در صفحات خود درج می‌کردند. از آنجاکه از اهداف اصلی مؤسس آن دفاع از نهضت ملی نفت و شخص مصدق بود؛ بنابراین بسیاری از طرفداران جبهه ملی، مقالات و مطالب خود را در این روزنامه منتشر می‌کردند (شمس‌آبادی، ۱۳۹۴، صص. ۳۴۴-۳۴۳).
در گزارش دیگری از ساواک آمده است:

نامبرده بالا از افراد متعصب مذهبی می‌باشد که مدتی در جبهه به اصطلاح ملی سابقه فعالیت داشته و با انتشار روزنامه اسرار شرق در شهرستان سبزوار مطالب حادی در این روزنامه‌ها درج می‌کرده است. مشارالیه به علت سخنرانی علیه مقامات کشور در انجمن‌های اسلامی و محافل و مجامع مذهبی چندین بار احضار و ضمن اخذ تعهد تذکرات لازم به وی داده شده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۳۹۳).

در باب ماهیت نوشتارهای مندرج در *روزنامه اسرار شرق* باید اشاره شود که روزنامه‌ای انتقادی بود و هفته‌ای یک شماره از آن در روزهای دوشنبه چاپ و توزیع می‌شد. محتوای مطالب این روزنامه نیز سیاسی و اجتماعی بود. نخستین شماره آن بیستم مهرماه ۱۳۳۰ منتشر شد و چاپ آن تا نوزدهم مرداد ۱۳۳۱ ادامه داشت (شمس‌آبادی، ۱۳۹۴، صص. ۳۴۴-۳۴۳؛ کوهستانی نژاد، ۱۳۷۶، ص. ۹۴). حجازی در زمان انتشار این روزنامه، با عوامل آن در شهر سبزوار همکاری می‌کرد و در گزارش‌های مختلف ساواک به آن اشاره شده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱).

روزنامه اسرار شرق به مدیرمسئولی محمدعلی صهبا و همکاری حجازی به همراه *روزنامه جلوه حقیقت* با مدیریت او که طرفداران جبهه ملی و مصدق در سبزوار منتشر می‌کردند، نسبت به تحولات سیاسی داخلی و سیاست خارجی در آگاه‌سازی مردم این شهر نقش مهمی داشتند. به‌عنوان نمونه، *روزنامه اسرار شرق* از مردم خواسته بود با خرید اوراق قرضه ملی، ضمن حمایت از توسعه داخلی، برای جلوگیری از مداخله دشمنان خارجی استقلال سیاسی کشور را تضمین نمایند (تدینی‌ثانی، ۱۴۰۱، ص. ۱). در صفحه سوم و چهارم از شماره نهم *اسرار شرق* که در ۱۶ دی ۱۳۳۰ منتشر گردید، در این زمینه چنین آمده است:

تجار ارجمند، مالکین محترم، اصناف شریف با خرید یک برگ از اوراق قرضه ملی، ضربه محکمی به دهان بیگانه پرستان زده و رشد ملی خود را به دنیا ثابت کنید... پس از اینکه سایه منحوس انگلیسی‌ها از منابع زرخیز نفت کوتاه شد و بوزینگان دریایی به آن ور رانده شدند و فهمیدند که ایرانی آن ایرانی عهد حاجی میرزا آغاسی نیست، از آن تاریخ هرچند وقت یک‌بار به‌عنوان حل مسالمت‌آمیز موضوع، هیأتی با طمطراق تمام به تهران اعزام می‌دارند (روزنامه اسرار شرق، ۱۳۳۰، صص. ۴-۳).

به دلیل نظارت‌های شهربانی بر عملکرد این روزنامه، برخی از همکاران حجازی نظیر عباسعلی محمودی به جرم همکاری با وی و روزنامه اسرار شرق، در سال ۱۳۳۲ مجبور به ترک سبزوار و عزیمت به تهران شدند (بیهقی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۲۴۴؛ شمس‌آبادی، ۱۳۹۴، ص. ۳۵۰).



تصویر شماره ۱. گزارش فعالیت حجازی در روزنامه اسرار شرق در پرونده ساواک

روزنامه جلوه حقیقت

یکی از روزنامه‌های محلی سبزوار روزنامه جلوه حقیقت بود که به مقتضای زمان به موضوعات گوناگونی چون حمایت از مبارزات ضد استعماری ملت ایران، توطئه‌های حزب توده، رژیم حاکمه، انگلیس و مبارزه ضد استعماری مردم مسلمان الجزایر می‌پرداخت و بر اساس آنچه در روزنامه ذکر شده بود، به مناسبت‌های مختلف اسلامی در اعیاد و سوگواری‌ها، مقالات و اشعار مذهبی درج می‌گردید (شمس‌آبادی، ۱۳۹۴، صص. ۳۵۰-۳۴۹). محل اداره روزنامه خیابان بیهق در سبزوار بود که در روزهای پنجشنبه منتشر می‌شد و بهای تک‌شماره آن جریده، یک ریال بود (روزنامه جلوه حقیقت، ۱۳۳۱، ص. ۲).



تصویر شماره ۲. مشخصات روزنامه جلوه حقیقت در صفحه دوم این روزنامه

حجازی در شماره دوم جلوه حقیقت، هدف خویش را از فعالیت در جراید و روزنامه «تربیت اطفال اجتماع» عنوان کرده است. البته این مسئله مربوط به سال ۱۳۳۱ و جوانی حجازی است؛ ولی به نظر می‌رسد به این مهم تا سال‌های پایانی عمر پایبند بوده و در بخش‌های مختلف مطبوعاتی و انتشاراتی، به تربیت دینی و سیاسی جوانان همت گمارده است.

قبل از پرداختن به مختصات این روزنامه، لازم به توضیح است که سفر حجازی به تهران روزنه جدیدی را در ذهن او باز کرد و آن‌هم رویکرد به مطبوعات بود. در آن دوره هر شخص و گروهی می‌توانست نشریه داشته باشد، حجازی نیز به فکر راه‌اندازی

روزنامه جلوه حقیقت افتاد (راستگو، ۱۳۸۶، ص. ۱۳) همکاران وی در این روزنامه که در نخستین شماره که تنها دو صفحه داشت، عباسعلی محمودی سبزواری و عزیز الله نوایی بودند (امین، ۱۳۸۵، ص. ۳۳؛ راستگو، ۱۳۸۶، ص. ۱۳) طبق گزارش ساواک، عملکرد حجازی در این روزنامه و فعالیت‌های مطبوعاتی مشابه مصداق «فعالیت‌های مضره» علیه حکومت پهلوی بوده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۹).

حجازی برای نشر و چاپ روزنامه از کمک حسین مجمع‌الصنایع که در آن دوران، چاپخانه و کتاب‌فروشی در سبزواری داشت، بهره گرفت و توانست روزنامه را منتشر نماید. این روزنامه از امکانات زیادی برخوردار نبود و بر اساس اظهارات حجازی، «روزنامه‌ای به نام جلوه حقیقت را با امکانات مختصر موجود به راه انداختم» (حجازی، ۱۳۷۱، ص. ۱۰). این روزنامه ماهیتی اسلامی داشت و بعد از ماجرای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ علیه دولت قوام منتشر شد.

در نخستین شماره جلوه حقیقت از زبان حجازی چنین آمده است: «مرام ما اسلام و حرف ما سعادت جامعه است و سیاست ما سیاست اسلامی است، چون ما باخدای خویش پیمان بسته‌ایم که در راه او از نثار جان خود دریغ ننماییم» (راستگو، ۱۳۸۶، ص. ۱۳). در دومین شماره روزنامه که چهار صفحه شده بود، افکار سیاسی و مذهبی حجازی کاملاً مشهود بود و مسائلی همچون «مزدوران داخلی»، «حزب توده»، «دربار»، «انگلیس» و «استعمار سرخ» مورد اشاره وی قرار گرفتند. هرچند فخرالدین یک سال قبل جذب فداییان اسلام شده بود و بنا به مقتضیات روحی و تربیتی خویش سعی می‌کرد تا از نظر مذهبی تلاش بیشتری کند؛ اما این موضوع باعث نشد تا وی حمایت خود را از نهضت ملی فراموش کند و در مورد دولت مصدق ننویسد (راستگو، ۱۳۸۶، ص. ۱۳). هنگامی که بحث ملی شدن صنعت نفت پیش آمد، در شماره شانزدهم آن به تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۳۱ درباره نهضت ملی شدن صنعت نفت و علل موفقیت مردم در این مبارزه خطاب به دولت آورده است:

اگر نهضت‌های مقدس دینی و اجتماعات شگرف مذهبی در مساجد و معابد مملکت نبود و اگر هماهنگی پیشوایان اسلامی و بیانات گویندگان دینی و ادعیه خالصانه مسلمانان به درگاه حضرت یزدان نمی‌بود، شما هرگز نمی‌توانستید دست‌به‌کار بزرگ تاریخی زده و با امپراتور قهار بریتانیا که سالیان دراز چنگال خون‌آلودش به پیکر مسلمین

حجازی به دلیل نرسیدن به سن قانونی، برای نشر این روزنامه موفق به کسب مجوز نشد و برای رفع مشکلات پیش‌رو، امتیاز چاپ و نشر آن را به نام پدرش دریافت کرد. البته همان‌طور که او اشاره می‌کند علاوه بر مشکل سن قانونی، در مسیر نشر این روزنامه با مشکلات زیادی مواجه بود؛ ولی با تحمل مشکلات فعالیت مطبوعاتی در آن زمان، برای تهیه و تدارک این روزنامه تلاش وافر انجام داد. در بخشی از نوشتارهای سی مقاله به این موضوع اشاره شده است: «روزنامه جلوه حقیقت را در چاپخانه کوچک سبزواری با هزاران مکافات چاپ می‌کردم و چون سن قانونی نداشتم، امتیاز را به نام پدرم گرفته بودم» (حجازی، ۱۳۶۵، ص. ۱۴۹).

چاپ نشریه جلوه حقیقت که نشریه‌ای مذهبی - سیاسی بود، مبتنی بر جهت‌گیری مطالبی با داعیه دخالت در سیاست، همراه با قلمی زیبا و رسا بود که نشانگر همان مواضع مطبوعات دینی دهه ۲۰ بود (جعفریان، ۱۳۸۹، ص. ۵۶۶)؛ وی در سرمقاله‌های روزنامه، بر شئون ملی و اجتماعی کشور اشاره می‌کرد و بارها در مقالات خود این مسئله را مطرح می‌نمود مسئولان حکومتی همان‌طور که برای انجام خدمات ملی کشور مسئول هستند، مسئولیت خطیری را در برابر دیانت پاک اسلام و جمهور مسلمین عهده‌دار هستند. از دیدگاه او، فرهنگ ایران در دهه ۳۰ دچار معضلاتی همچون بی‌دینی، فساد و بی‌توجهی به تعلیمات مذهبی در آموزشگاه‌ها و غیره بود (رضوانی، ۱۴۰۰، صص. ۱-۲). در خاطرات سید هادی خسروشاهی از فعالیت حجازی در شکل‌گیری و مواضع سیاسی وی در جلوه حقیقت آمده است:

حجازی به فکر نشر روزنامه‌ای افتاد و چون خود به سن قانونی نرسیده بود، به نام پدرش - شیخ محمد - که روحانی وارسته‌ای بود، امتیاز جلوه حقیقت را گرفت و با همکاری عباسعلی محمودی و عزیز الله نوایی، نخستین شماره آن را در تیرماه ۱۳۳۱ منتشر ساخت و حجازی در مقاله‌ای در آن شماره چنین نوشته است: مرام ما اسلام و حرف ما سعادت جامعه است و سیاست ما سیاست اسلامی است، چون با خدای خویش پیمان بسته‌ایم که در راه او از نثار جان خود دریغ ننماییم. شماره دوم نشریه چهار صفحه داشت و حجازی در سرمقاله آن را چنین تیتراژ زد: «وقت آن است که به حساب مزدوران داخلی رسیدگی شود». در این شماره همچنین مقالاتی درباره قیام امام حسین (ع) و ضرورت درس‌آموزی

از مکتب عالی آن حضرت و ایستادگی در برابر دسیسه، فریب و حيله‌گری دولت بریتانیا درج شده است. حجازی در اکثر شماره‌های جلوه حقیقت مقالات حماسی می‌نوشت که برخی از این مقالات یک صفحه کامل از روزنامه را پر می‌کرد. این روزنامه به مقتضای آن روزگار به موضوعات گوناگونی چون حمایت از مبارزات ضد استعماری ملت ایران علیه توطئه‌های حزب توده، دربار، انگلیس، استعمار فرانسه و... می‌پرداخت و هدف و اندیشه آن نشر فرهنگ اسلامی بود و به فراخور روز و مناسبت‌های آن، عیدها و سوگواری‌ها، مقالات و اشعاری درج می‌کرد. البته این روزنامه به شدت از مبارزات مردم در نهضت ملی شدن نفت دفاع می‌کرد (خسروشاهی، ۱۳۸۶، ص. ۶).

سید حسن امین در نوشتاری تحلیلی پیرامون نهضت ملی در خراسان اشاره می‌نماید که جلوه حقیقت پیوسته از مبارزات دولت و شخص مصدق دفاع می‌کرد (امین، ۱۳۸۵، ص. ۳۳). البته با توجه به مطالب مندرج در این روزنامه باید اشاره شود که جلوه حقیقت هم از مبارزات دولت و شخص مصدق دفاع می‌کرد و هم با عباراتی مانند «با اشاعه مرام مقدس اسلام برای همیشه ریشه نفوذ اجانب را قطع کنید» به دولتمردان تذکر می‌داد. شانزدهم بهمن همان سال نیز در شماره‌ای از این روزنامه که مصادف با سالگرد تأسیس دانشگاه در ایران بود، حجازی ضمن شرح مسیر تأسیس و کارنامه آن، از اینکه دانشگاه در ترکیه و تهذیب اخلاق و عادات فرهنگی موفق نبوده و بیگانگان در آن محیط رخنه کرده‌اند، ابراز نگرانی کرد. این رویه در انعکاس وقایع روز و آگاهی‌بخشی به افکار عمومی موجب شد تا انتشار روزنامه با مشکلاتی مواجه شود، به طوری که سوم اردیبهشت ۱۳۳۲، پس از چاپ شماره ۲۳، به چاپ بعدی خود نرسید و تعطیل شد. البته برخی شواهد موجود حاکی از این است که این نشریه تا اواخر مرداد ۱۳۳۲ به کار خود ادامه داد (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱).

پس از کودتای ۲۸ مرداد، دفتر روزنامه غارت و به آتش کشیده شد. عوامل رژیم پهلوی با تحریک برخی اراذل‌و‌اوباش، سعی کردند مانع فعالیت روزنامه شوند و با سازمان‌دهی عده‌ای از افراد وابسته به رژیم به دفتر روزنامه وارد شدند و بخشی از اموال و دارایی‌های آن را برده و بخشی از آن را به آتش کشیدند. بعد از این ماجرا، حجازی از سبزوار به مشهد گریخت و از آبان ۱۳۳۲ با سمت آموزگاری در مشهد مشغول به

کار شد (شمس آبادی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص. ۶۴۱). در باب غارت دفتر روزنامه جلوه حقیقت و فشار اوباش وابسته به رژیم مستقر که منجر به فرار وی گردید، در مکتوبات حجازی آمده است:

ما را در فشاری طاقت فرسا می فشردند تا اینکه کودتای بیست و هشتم مرداد پدید آمد و اراذل و اوباش به دستور شهربانی به محل انجمن تبلیغات اسلامی و روزنامه جلوه حقیقت که مدیرش من بودم، حمله بردند و همه را غارت کردند و حتی قرآن‌ها را پاره کردند و به پایین ریختند و من را می‌خواستند گیر بیاورند و بکشند که شبانه فرار کردم و مدت‌ها در بیابان‌ها فراری بودم تا سرانجام به مشهد پناه بردم (حجازی، ۱۳۶۲، ص. ۴).

سید حسن امین در مورد زمینه غارت روزنامه این چنین می‌گوید:

ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۲۸ مرداد خبر سقوط مصدق و نخست‌وزیری زاهدی از رادیو پخش شد. برخی برای اطمینان از این خبر، به خیابان اصلی شهر آمده و در مقام همسویی با قدرت غالب به نفع شاه و آقای زاهدی شعار می‌دادند و بعد به انجمن تبلیغات اسلامی به ریاست سید یحیی نظام‌زاده که مرکز مصدقی‌ها بوده و نیز کتاب‌فروشی حسین مجمع هر دو در خیابان بیهق حمله می‌برند و اساسی و کتاب‌های موجود را بیرون می‌ریزند. روز ۳۰ مرداد متظاهران به شاه‌دوستی دوباره در خیابان‌های مرکزی شهر تجمع کردند و به فرمانداری حمله کردند و قصد تصرف فرمانداری را داشتند که با مداخله از آن جلوگیری می‌شود. در آن وقت شاه‌دوستان سبزواری به مدیریت محمدتقی مجمع «جمعیت مبارزین سبزواری» را تأسیس می‌کنند که در بند اول اساسنامه آن، هدف جمعیت نوکری و جانبازی در اجرای منویات مبارکه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی اعلام می‌کند و چاپخانه‌ها و روزنامه‌های اسرار شرق به مدیریت محمدعلی صهبا و جلوه حقیقت به مدیریت فخرالدین حجازی را به آتش می‌کشند (امین، ۱۴۰۰، ص. ۱).



تصویر شماره ۴. سند گزارش ساواک در زمینه فعالیت حجازی در روزنامه جلوه حقیقت

یکی از مسائلی که حجازی در این نشریه بر آن تأکید داشت، لزوم استقلال سیاسی و فرهنگی بود و در نوشتاری که حجازی در خطاب به مصدق به رشته تحریر در آورد، خواستار رسیدگی به وضعیت استقلال فرهنگی ایرانیان در برابر نفوذ فرهنگی انگلستان بود (رضوانی، ۱۴۰۰، ص. ۱). در زمینه اهمیت استقلال فرهنگی و حراست از مؤلفه‌های فرهنگی جامعه که اهمیتمش همانند استقلال سیاسی در برابر انگلستان است، اشاره کرد: جناب آقای نخست‌وزیر سه ماه دیگر از مدت اختیارات شما باقی‌مانده است. فرصت را غنیمت شمارید و همان‌طور که خود را به نام یک قهرمان ملی معرفی کرده‌اید، نام خویش را به‌عنوان یک رجل مذهبی در تاریخ درخشان اسلامی ثبت فرمایید و متذکر شوید که استقلال و ملیت این کشور بسته به ایمان و اسلامیت مردم آن است و اگر خدای نخواسته این از بین برود آن نیز متلاشی خواهد شد. آقای دکتر مصدق شما با یک نیروی شگرفت کارشناسان انگلیسی را از خاک مقدس میهن بیرون راندید و سفارتخانه و کنسولگری‌های بریتانیا را تعطیل کردید؛ ولی به این حقیقت تلخ واقف باشید که ارتش جرار انگلستان به‌صورت بطره‌ای شراب در این کشور اسلامی خودنمایی می‌کند و هستی ما را به باد فنا می‌دهد و برنامه ناقص فرهنگ که از ساخته‌های مغز خائن بیگانه‌پرستان است نونهالان کشور را به پرتگاه فساد اخلاق و بی‌دینی سوق می‌دهد. شما را به خدا برای خدا قیام کنید. قبل از هر چیز لایحه منع مسکرات را که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است به‌موقع اجرا گذارید و سپس قانون مفیدی در اصلاح برنامه فرهنگ که متضمن تعلیمات عالیه اسلامی باشد تصویب فرمایید و گروه زنان عیاش بیکاره را از ادارات دولتی بیرون ریخته مردان لایق و معیل را به کار بگمارید و آتش فساد اخلاق فاحشه‌خانه‌ها و سینماها و تئاترها را خاموش کنید. با یک سلسله تبلیغات مذهبی در رادیوهای کشور مردم را به‌سوی حقیقت و درست‌کرداری و نوع‌دوستی دعوت کنید و روح یگانه‌پرستی و اسلامیت را در مردم تقویت فرمایید و بدانید که در انجام این خدمات برجسته دینی مشیت بالغه الهی و همت رادمردان اسلامی و نیروی فعاله ملت ایران پشتیبان شما خواهد بود و همان‌طور که در برابر مردم نام شما

به عظمت و بزرگی یاد می‌شود در پیشگاه اقدس قادر متعال نیز محبوب و محترم خواهید بود (رضوانی، ۱۴۰۰، ص. ۱).

در یکی از گزارش‌های سال‌های بعد ساواک در مورد فعالیت حجازی در روزنامه مزبور و سرنوشت آن چنین اشاره شده است:

فخرالدین حجازی جلوه حقیقت را که دارای مطالب حاد و متمایل به چپ و وابسته به افراطیون جبهه به اصطلاح ملی سابق بوده در سبزوار اداره می‌کرده و برابر اعترافات یکی از متهمین حزب منحل توده شخص مزبور پیشنهاد ائتلاف انجمن اسلامی را با حزب منحل توده نموده است. مشارالیه پس از قیام ۲۸ مرداد که روزنامه وی از طرف مردم آتش زده شد به مشهد متواری و ضمن تماس با عناصر جبهه مذکور فعالیت‌های پنهانی خود را آغاز نموده و در جلسات مذهبی ضمن سخنرانی، حملاتی به دولت و رژیم سلطنت کرده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۳۵۴).

مطابق اسناد موجود مرتبط با امتیاز چاپ و نشر مطبوعات و کتب، در اواخر سال ۱۳۳۲ تقاضای انتشار مجدد روزنامه *اسرار شرق* در سبزوار به وزارت کشور ارسال شد (ساکما، ش.س ۲۹۳/۵۷۶۷، ش.ب ۱۲/۱/۱۴۳۵۶)؛ ولی به دلیل سخت‌گیری‌ها و مشکلات پیش‌رو، برای این درخواست کارشکنی‌هایی به وجود آوردند و مانع سرانجام رسیدن آن شدند.

روزنامه خراسان

بر اساس گزارش ساواک، بعد از اخلال طرفداران رژیم پهلوی در فعالیت مطبوعاتی حجازی در سبزوار، وی از تجربه خود در همکاری با روزنامه خراسان بهره گرفت. در بخشی از اسناد ساواک آمده است:

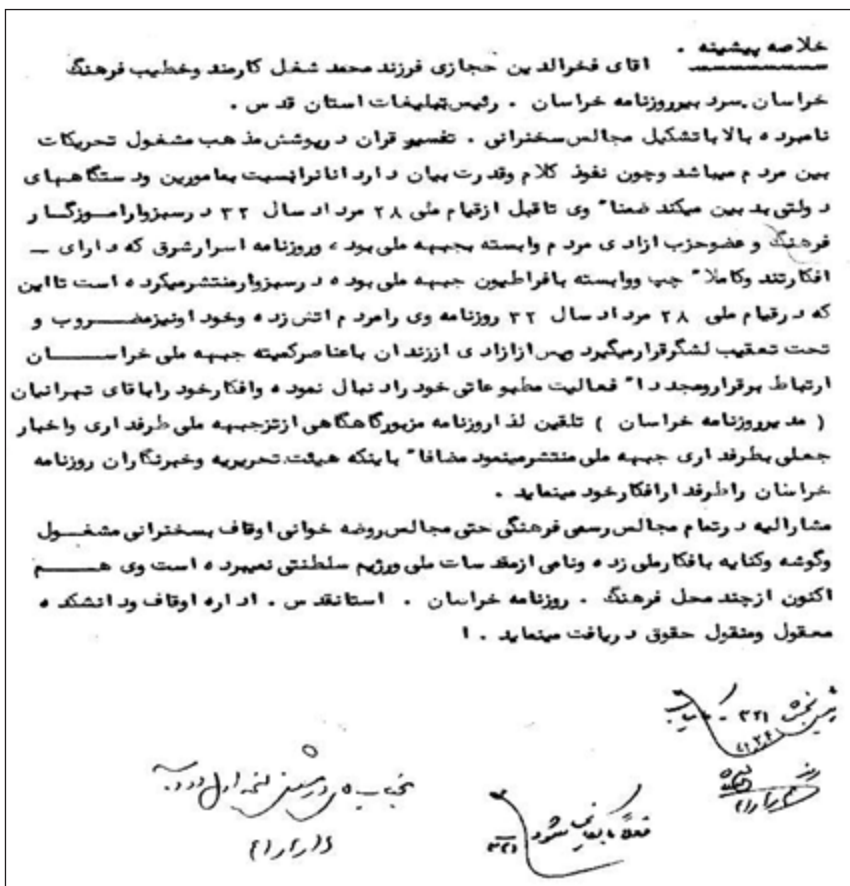
پس از قیام ملی ۲۸ مرداد اهالی سبزوار محل روزنامه او [فخرالدین حجازی] را آتش زده و خود وی را مضروب نموده‌اند نامبرده پس از آن به مشهد متواری و در این شهرستان ضمن تماس با عناصر وابسته به جبهه ملی فعالیت‌های پنهانی می‌نمود و در جلسات مذهبی ضمن سخنان خود حملاتی به دولت و رژیم سلطنت می‌نموده است. این شخص در سمت مدیریت روزنامه خراسان در اردیبهشت ماه سال ۴۱ هنگام تشریف‌فرمایی

علیاحضرت شهبانو و والاحضرت ولایتعهد ایران به خراسان خبری دایر بر شرفیابی دو تن از روحانیون با حضور معظم‌الیها در روزنامه درج نموده که موجب ایجاد تحریکات و سروصدایی در مشهد گردیده است. نامبرده بالا به علت فعالیت‌های مضره بنا به درخواست استاندار وقت خراسان در سال ۴۱ برای مدتی به استان گیلان منتقل شده و بعد از انتصاب تیمسار سپهد عزیزى به استانداری خراسان مجدداً به خراسان معاودت گردیده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۵۴).

بنابراین حجازی در کنار شغل معلمی در مشهد، به روزنامه‌نگاری نیز اشتغال داشت. زمان دقیق ورود ایشان به روزنامه خراسان معلوم نیست؛ اما از آنجا که روایت‌هایی درباره نقش وی در آغاز همکاری شریعتی با روزنامه وجود دارد، می‌توان آغاز فعالیت حجازی را اوایل دهه ۳۰ دانست. او بعدها و در نیمه دوم دهه ۴۰، به دلیل فعالیت‌های سیاسی ناچار به ترک مشهد شد و همکاری‌اش با روزنامه خراسان هم به پایان رسید (نوائیان، ۱۳۹۹، ص. ۷).

در گزارش وضعیت حجازی در خراسان که ساواک خراسان آن را تدارک دیده بود از تأثیر حجازی در تولید محتوای نشریه صحبت به میان آمده است و اینکه افکار ملی‌گرایانه خود را در بین همکاران و حتی مسئول روزنامه خراسان ترویج می‌دهد که برخی از آنها تحت تأثیر وی، نوشتارهایی در حمایت از مصدق نگارش کرده‌اند. در بخشی از گزارش ساواک آمده است:

حجازی با عناصر کمیته جبهه ملی خراسان ارتباط برقرار و مجدداً فعالیت مطبوعاتی خود را دنبال نموده و افکار خود را به آقای تهرانیان مدیر روزنامه خراسان تلقین لذا روزنامه مزبور گاهگاهی از تز جبهه ملی طرفداری و اخبار جعلی به طرفداری جبهه ملی منتشر می‌نمود. مضافاً به اینکه هیأت تحریریه و خبرنگاران روزنامه خراسان را طرفدار افکار خود می‌نماید. مشارالیه در تمام مجالس رسمی فرهنگی حتی مجالس روضه‌خوانی اوقاف به سخنرانی مشغول و گوشه و کنایه به افکار ملی زده و نامی از مقدسات ملی و رژیم سلطنتی نمی‌برده است. وی هم اکنون از چند محل فرهنگ، روزنامه خراسان، آستان قدس، اداره اوقاف و دانشکده معقول و منقول حقوق دریافت می‌نماید (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۲۲).



تصویر شماره ۵. گزارش ساواک در زمینه تأثیر افکار حجازی در روزنامه خراسان

حمید سبزواری نقل کرده است که مدیران روزنامه خراسان توانایی نگارش مطالب مناسب را نداشتند و برای تدوین سرمقاله‌ها از حجازی بهره می‌برند و با توجه به تجربیات تشکیلاتی حجازی در سبزواری، از مهارت‌های وی در مدیریت روزنامه استفاده می‌کردند. در بخشی از خاطرات او آمده است:

روزنامه خراسان که در مشهد منتشر می‌شد چون مدیر بی‌سوادی داشت (طباطبایی) سرمقاله‌اش را همیشه دیگری می‌نوشت. آن موقع فخرالدین حجازی شروع کرد سرمقاله نوشتن و ضمناً امور داخلی آنجا را هم زیر نظر داشت. در دوران انتشار روزنامه خراسان انتخابات دوره چهاردهم

مجلس پیش آمد و این روزنامه چند تا رباعی چاپ کرد که نام و کلاهی را که انتخاب کرده بودند در شعر آورده بود و وظایفی را برای نمایندگان نوشته بود که نماینده مثلاً چه باید بکند (سبزواری، ۱۳۹۵، ص. ۷).

جلال‌الدین فارسی^۱ تأکید داشت، حجازی سردبیر روزنامه خراسان به مدیریت صادق تهرانیان بود و مقالاتی به مناسبت‌های مختلف از جمله کودتای سوم اسفند، تولد رضاخان، کودتای ۲۸ مرداد، تولد شاه، آمدن ثریا و اشرف به مشهد و آمدن تیمور بختیار به مشهد نوشته است (جعفریان، ۱۳۸۹، ص. ۹۰۳).



تصویر شماره ۶. گزارش ساواک در مورد فعالیت حجازی در روزنامه خراسان

در یکی از گزارش‌های ساواک به تاریخ ۱۳۴۱/۳/۱ در مورد جلوگیری از نشر

۱. این مطلب از یادداشت جلال‌الدین فارسی در نقد چاپ دوم کتاب جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران تألیف رسول جعفریان اقتباس شده است.

روزنامه خراسان و فعالیت حجازی، چنین آمده است: در جریان تشریف‌فرمایی والاحضرت ولایتعهد و علیاحضرت شهبانوی ایران به مشهد ضمن تنظیم برنامه زیارت حرم مطهر ملاقات والاحضرت ولیعهد با آقایان علما (سبزواری و کفائی) در نظر گرفته شده بود. در روز موعود این ملاقات صورت گرفت و از طرف علما یک بازوبند طلا و یک جلد صحیفه سجادیه به حضور والاحضرت تقدیم گردید. روزنامه یومیه خراسان ضمن انتشار رپرتاژ مفصل از جریان تشریف‌فرمایی در مورد ملاقات علما نوشته بود کفائی و سبزواری به حضور علیاحضرت شهبانو و والاحضرت ولیعهد در حرم مطهر شرفیاب شدند.

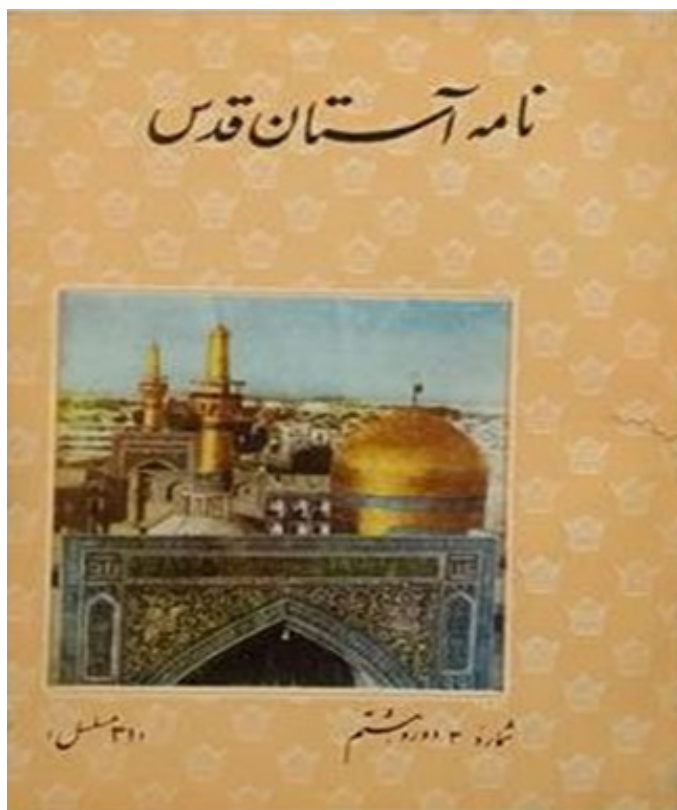
این موضوع در محافل روحانی ایجاد نگرانی و ناراحتی بسیاری نمود. به خصوص مخالفین این دو علما به نفع میلانی (وابسته به جبهه ملی) شروع به تبلیغ نموده و جریان را با آب و تاب تشریح می‌نمودند. همان روز روزنامه خراسان به دستور جناب آقای استاندار توقیف و سردبیر روزنامه مذکور حجازی که سوابق وی طی شماره ۱۸۶۵۱/م الف ۱۱ - ۴۰/۱۱/۲۵ اعلام گردیده و علی‌اکبر سرائیان خبرنگاری که این خبر دروغ را سهواً و یا عمداً داده است اخراج گردیدند. علما و روحانیون در ابتدا قصد تحصن و بستن دکا کین را داشتند که پس از توقیف روزنامه و اخراج نامبردگان از اداره روزنامه و بازداشت خبرنگار مزبور از طرف این سازمان ناراحتی روحانیون مرتفع و آقایان تهرانیان مدیر روزنامه و آقای فخرالدین حجازی و سرائیان خبر مذکور را تکذیب و اعلام داشتند که سهواً چاپ شده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۲۴).

نامه آستان قدس

جریده نگاری که در مشهد از سال ۱۲۷۹ با انتشار روزنامه ادب آغاز شده بود، سبب گردید سالیان بعد نشریات متعدد و به شیوه‌های مختلفی در این شهر و شهرهای دیگر خراسان چاپ شوند، به شکلی که ۲۰ سال بعد از انتشار روزنامه ادب (مجله الکمال) که اولین مجله چاپ مشهد است که یکی از کارکنان آستان قدس فضل‌الله آل‌داوود - بدایع‌نگار آستان قدس - در حوزه علوم اسلامی و در مشهد منتشر کرد و از جمله نشریاتی است که انتشار آن منتسب به آستان قدس رضوی است، باین حال، برای انتشار اولین نشریه رسمی و با مدیریت مجموعه آستان قدس رضوی چهل سال پس از انتشار الکمال طول کشید تا زمینه شکل‌گیری و انتشار نشریه در آستان قدس به وجود آید

و گامی نو در راستای اطلاع‌رسانی و خدمات فرهنگی در این مجموعه برداشته شود. نامه آستان قدس نشریه فرهنگی، دینی و خبری بود که به همت نیابت تولیت وقت آستان قدس - محمد مهران - که خود شخصیتی مطبوعاتی بود بنا نهاده شد. وی با ارائه مقالات مختلف در مدت بیش از پنجاه سال برای مطبوعات، آشنایی نسبتاً کاملی با عرصه جریده نویسی پیدا کرده بود و از این طریق و با توجه به نفوذی که در مجموعه آستان قدس داشت، نشریه فوق را در تیرماه سال ۱۳۳۹ با انتشار اولین شماره پایه‌ریزی نمود. انتشار نامه آستان قدس در شروع کار با تلاش جمعی از نویسندگان دانشمند و فاضل آغاز شد و سعی گردید با نگاهی جدید به مجموعه آستان قدس برای معرفی آن و همچنین ارائه مقالات دینی که مورد نیاز جامعه علمی بود، تلاش شود و با همین رویه بود که خیلی زود جایگاه مناسبی در بین خوانندگان پیدا کرد. آنچه در مورد اهداف و رویکرد نشریه می‌توان اشاره نمود، بر اساس مطالعه مندرجات است که معرفی فعالیت‌ها، خدمات و ابنیه، نفایس و اماکن آستان قدس جزء اهداف اصلی آن بوده و در این میان، مسائل اخلاقی، اعتقادی و اسلامی از جمله مقوله‌هایی است که سعی شده بر اساس رویکرد فرهنگی و دینی مجموعه آستان قدس مورد توجه قرار گیرد (حافظی، ۱۳۸۷، ج ۴، صص. ۲۷۲-۲۶۷). مرکز اسناد آستان قدس رضوی در این زمینه اشاره می‌نماید:

دوره اول مجله که مربوط به سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۵ است، نامه آستان قدس با فکر و همت محمد مهران تأسیس می‌شود و مدیریت آن به فخرالدین حجازی و ریاست هیأت تحریریه به علی‌اکبر فیاض واگذار می‌شود. این دوره، عصر فعال و برجسته نشریه محسوب می‌شود. این ادعا بنا بر کمیت و کیفیت مقاله‌هایی است که به شیوه علمی و دینی ارائه و نیز علاوه بر آن اخبار زیادی از فعالیت‌ها و خدمات آستان قدس معرفی شده است (حافظی، ۱۳۸۷، ج ۴، صص. ۲۷۹-۲۶۷).



تصویر شماره ۷. جلد یکی از شماره‌های مجله نامه آستان قدس

مردم خراسان حجازی را با جلوه حقیقت شناخته بودند؛ اما هنگامی که مسئولیت مجله آستان قدس به وی واگذار شد، مجال تازه‌ای یافت تا به مدت شش سال حرف‌هایش را در این مجله به مردم منتقل سازد. همه او را به عنوان سخنران قابل‌ی می‌شناختند و از همین دوره انتشار نامه آستان قدس بود که به مجالس و محافل مذهبی می‌رفت تا داشته‌هایش را به همه عرضه کند (راستگو، ۱۳۸۶، ص. ۱۳؛ خسروشاهی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص. ۱۰۳).

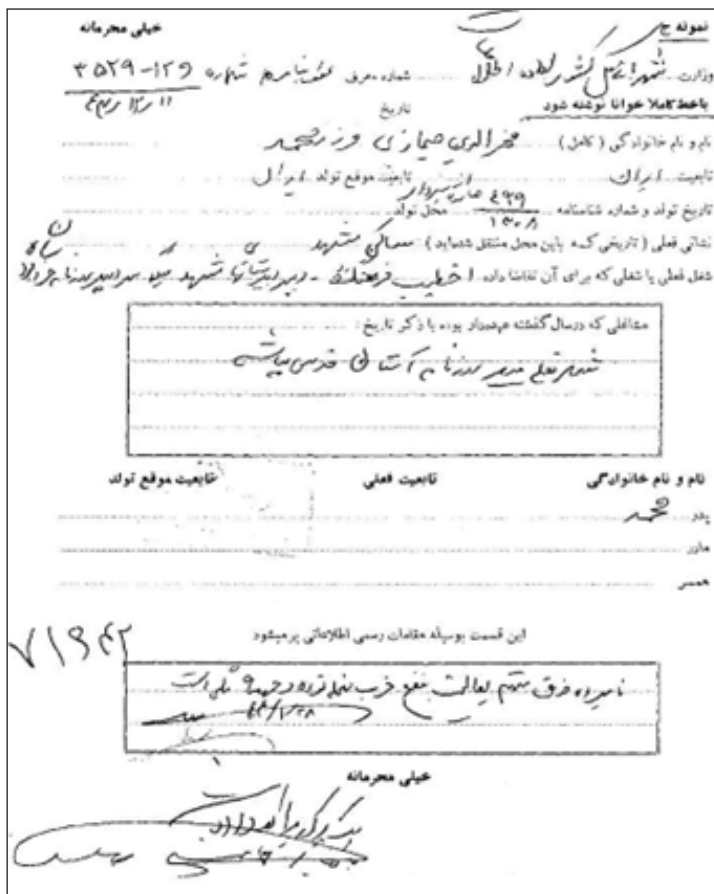
در یکی از گزارش‌های محرمانه در مورد کسب مجوز نشریه که از سازمان اطلاعات و امنیت کشور به اداره مطبوعات ارسال کرده بود، آمده است:

سازمان اطلاعات و امنیت کشور ... یک نسخه پرسشنامه که از طرف آقای فخرالدین حجازی ساکن شهر مشهد به‌منظور صدور و اجازه مدیریت مسئول مجله آستان قدس تنظیم گردیده است همراه با یک قطعه عکس

ارسال می‌شود، خواهشمند است دستور فرمایند برابر بند (ه) از ماده ۳ لایحه قانونی مطبوعات که مقرر داشته است تقاضاکنندگان صدور امتیاز جراید و مجلات باید به‌درستی و امانت و حسن شهرت معروف بوده و صلاحیت اخلاقی آنان از نظر روزنامه‌نگاری محرز باشد در اطراف سوابق و صلاحیت نامبرده بررسی نموده نظر صریح آن سازمان را اعلام دارند تا پس از بررسی اقدام مقتضی به عمل آید (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۵۱).

نامه آستان قدس به لحاظ زمان انتشار، در شروع کار به‌صورت ماهانه منتشر می‌شد (نامه آستان قدس، ۱۳۳۹) و در دهه ۴۰ به لحاظ محتوایی تبدیل به یک فصلنامه دینی پرتعداد گردید (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص. ۴۸۶). در دوره اول فعالیت این مجله با فعالیت مستمر حجازی تلاش می‌شد مطالب ارزشمندی تولید و به مخاطبان داخلی و خارجی عرضه شود، مطالب متنوعی در مجله درج می‌گردید که از جمله موضوعات می‌توان به مباحثی نظیر سرمقاله‌های تحلیلی، سخنان امام رضا(ع)، تفسیر قرآن، اثبته تاریخی مشهد، ترجمه مقالات دانشمندان خارجی، بخش‌های عربی و انگلیسی، اخبار آستان قدس، کتاب‌شناسی، احادیث موضوعه، حماسه‌های دینی، اخبار جهان اسلام و مطالبی با مضامین دینی و علمی اشاره کرد (میقانی، ۱۳۸۷، ص. ۶۶).

حجازی علاقه‌مند به توسعه اندیشه اتحاد اسلامی بود و در زمان فعالیتش در نامه آستان قدس، با اندیشمندان و فعالان سیاسی کشورهای اسلامی ارتباط داشت، در یکی از گزارش‌های ساواک آمده است: «حجازی با استفاده از مقام مدیریت نامه آستان قدس با کشورهای عربی به‌خصوص مصر ارتباط داشته... و این عقاید خود را درباره اتحادیه اسلامی که از مصر الهام گرفته به دانشجویان و مردم مخالف با دولت نیز تزریق می‌کند» (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳، ص. ۴۳).



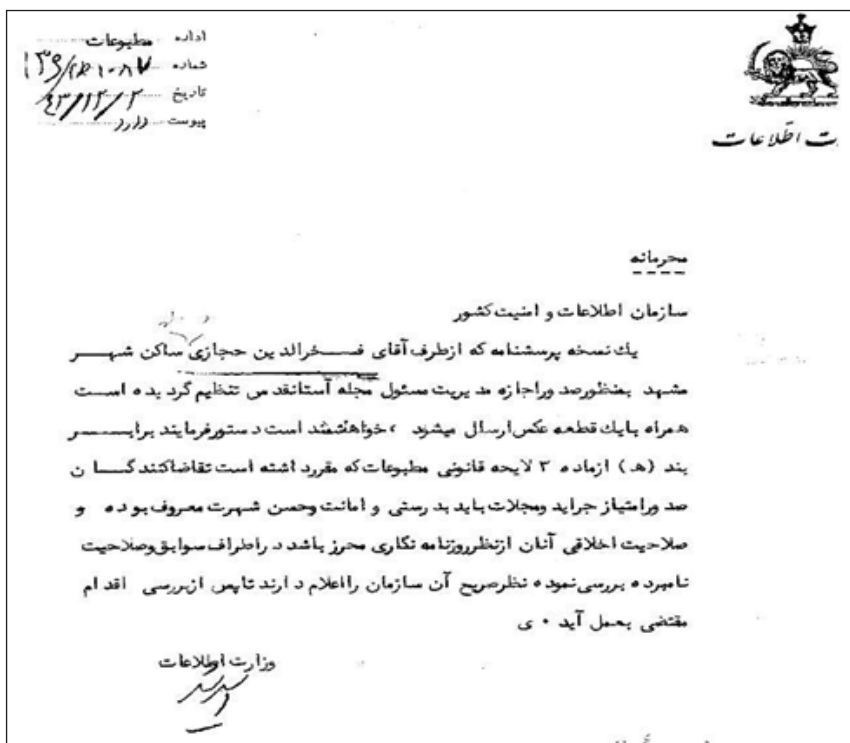
تصویر شماره ۸. گزارش ساواک در زمینه مدیریت حجازی در نامه آستان قدس
 برخی عناوین مقالات حجازی در نامه آستان قدس عبارت از «سوگندهای قرآن»،
 «پایگاه پرهیزکاری»، «بانوی اسلام»، «عید غدیر»، «پایگاه بانوان»، «مقام ولایت»، سلسله
 مقالات «قرآن کریم»، «میلااد محمدی»، «ماه عزا»، «میلااد حضرت رضا»، «امتیاز هدایت»،
 «محمد (ص)» و «به سوی خدا» است.

حجازی به مدت شش سال متوالی این نشریه را به طور مرتب منتشر کرد. اغلب
 مباحثی که درباره قرآن و معارف اسلامی در نامه آستان قدس مندرج است، نوشته
 فخرالدین حجازی است که بعدها پس از تکمیل به شکل کتابی مستقل تحت عنوان
 پژوهشی درباره قرآن منتشر گردید. همکاران حجازی در نامه آستان قدس عبارت بودند

از: محمدتقی شریعتی، سید غلامرضا سعیدی، علی شریعتی، سید هادی خسروشاهی و چند نفر دیگر. وی در این مدت، همچنین مدتی کوتاه رئیس تبلیغات آستان قدس رضوی بود (خسروشاهی، ۱۳۸۶، ص. ۶).

پیرامون مسئله تعریف و تمجید این نشریه از پهلوی، سید هادی خسروشاهی در نوشتاری مطبوعاتی با عنوان «فخرالدین مرد قلم و سخن» اشاره می‌نماید که برخی از مدیران نشریه خواهان تعریف و تمجید از دست‌اندرکاران نشریه یا سایرین نبودند و تلاش بر کیفیت محتوای ارائه شده به مخاطبان داشتند. در نقطه مقابل، برخی مدیران آستان قدس بر ثناگویی از حاکمیت و عوامل حکومتی تأکید داشتند و این رویکرد منجر به برخی اختلافات شده بود. حجازی تأکید داشت که مجله باید رسالت دینی و وظیفه ارشاد را بر عهده داشته باشد و از حاشیه دور بماند. در بخشی از خاطرات خسروشاهی آمده است:

در تیرماه ۱۳۲۹ نخستین شماره مجله آستان قدس به نام خدا و به خرج آستان قدس و به همت گروهی نویسنده دانشمند و با ایمان منتشر شد. مؤسس آن محمد مهران بود؛ ولی مدیر مسلمانش فخرالدین حجازی نخواست که در سرمقاله مجله، ثناخوان او و اولیای دیگر آستان قدس شود! مهران رفت و آقاسیدجلال تهرانی آمد! مدتی از نشر آن جلوگیری کرد و بعد از سقوط، به حقیر نقل می‌کرد که علت جلوگیری‌اش آن بوده که فکر می‌کرده آن، مجله مفیدی نیست؛ ولی وقتی دید که در داخل و خارج خواهان دارد و مجله آبرومندی به شمار می‌رود، بودجه چاپش را تصویب کرده است! آقاسیدجلال هم رفت و نوبت تیمسار باتمانقلیچ رسید. مجله همچنان به مدیریت فخرالدین حجازی، در سطح عالی منتشر گردید. حجازی را تنها به جرم اینکه چاپلوس و متملق نیست، نخست از روزنامه خراسان عذرش را خواستند و سپس از نظر کار فرهنگی در به درش کردند و آخر سر هم مدیریت مجله را از او گرفتند و یا پس داد! (خسروشاهی، ۱۳۸۶، ص. ۶).



تصویر شماره ۹. گزارش ساواک در خصوص کسب مجوز فعالیت حجازی در نامه آستان قدس فعالیت‌های این نشریه مورد تأیید بروجدی بوده و میلانی نیز نسبت به این مجله مذهبی، رویکرد مساعدت و همکاری داشتند. حتی محمد تقی شریعتی به عنوان یکی از چهره‌های فعال سیاسی و مذهبی در مشهد، برای نامه آستان قدس مقاله ارسال می‌کرد. همین تأیید و حمایت‌های شخصیت‌های دینی و سیاسی از مجله، منجر به همکاری روحانیت برای پیشبرد این مجله شد (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۰، ص. ۵۹).

حجازی آثار قلمی متفکران را مطالعه می‌کرد و با شناخت کامل، مترصد بود برای توسعه این مجله و نشر آثار اسلامی و ایرانی از همکاری علمی صاحبان فکر و اندیشه استفاده نماید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳، ص. ۹). بعد از اتمام دوره مدیریت حجازی در نشریه، سبک و روش آن تغییر کرد و همکاری‌های نویسندگان برجسته با دفتر مجله کمتر شد و همین مسئله عامل کاهش مقالات دینی و علمی در آن شد (میقانی، ۱۳۸۷، ص. ۶۶).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر تلاشی برای بررسی عملکرد مطبوعاتی فخرالدین حجازی در خراسان طی دهه‌های ۳۰ و ۴۰ است و برخی از یافته‌های نگارنده نشان می‌دهد اقدامات مطبوعاتی او در سبزووار منجر به شکل‌گیری افکار انقلابی و اندیشه‌های ضد حکومتی در وی شده بود. *روزنامه اسرار شرق* و *جلوه حقیقت* شکل‌دهنده شخصیت حجازی بودند؛ زیرا به فعالیت مستمر و آگاهانه وی برای تولید محتوای مناسب برای جامعه محلی سبزووار منجر می‌شد؛ ولی حضور او در مشهد و آشنایی با شخصیت‌های برجسته‌ای نظیر محمدتقی شریعتی منجر به تعمیق افکار وی شد و ساواک بیشتر نسبت به عملکرد وی حساسیت داشت. وی از هر فرصتی برای آگاهی مردم استفاده کرده و از قلم خود برای انتقاد از عملکرد پهلوی استفاده می‌کرد. البته برخی از مطالبی که از وی منتشر گردیده با انتقاداتی مواجه شد که حجازی در مقام پاسخگویی، انتشار برخی از مطالب به اسم خودش را یک ترفند از طرف مخالفانش اعلام کرد؛ ولی بخش عمده فعالیت‌های مطبوعاتی وی برای ترویج افکار ملی‌گرایانه و در حمایت از مصدق بود. حجازی مدت‌های زیادی با *روزنامه خراسان* همکاری کرد؛ ولی مدیریت وی در *نامه آستان قدس* به تولید محتوای دینی برجسته‌ای منجر شد که حتی در خارج از کشور دارای مخاطب بود و شخصیت‌های حوزوی از آن استفاده و حمایت می‌کردند.

فعالیت‌های حجازی در خراسان باعث شد ساواک وی را از این استان به گیلان بفرستد. هرچند بعد از مدت کوتاهی مجدد به فرهنگ خراسان برگشت؛ ولی فضای مناسبی برای فعالیت مطبوعاتی او در *نامه آستان قدس* فراهم نشد و مجبور شد به تهران مهاجرت نماید. در یک برداشت نهایی باید اذعان داشت که مساعدت، همکاری و حتی مدیریت حجازی در مطبوعات خراسان نظیر *اسرار شرق*، *جلوه حقیقت*، *خراسان* و *نامه آستان قدس* باعث شکل‌گیری مجموعه اقدامات روشنگرانه او شد که علاوه بر انتقاد از عملکرد دولت، توصیه‌هایی به مردم در زمینه‌های مختلف ارائه کرد و علاوه بر تبیین مسائل سیاسی، از مسائل دینی غفلت نکرد و رصد مقالات وی در *نامه آستان قدس* نشان می‌دهد که برخلاف محتوای سیاسی *روزنامه‌های اسرار شرق* و *جلوه حقیقت*، در این مجله برای توسعه معارف اسلامی به تولید محتوای دینی همت گماشت و تنوع وسیعی از مقالات در حوزه معارف اسلامی را نگارش کرد.

منابع

- افضلی، رضا (۱۳۹۵). یادنامه یاران خراسان. فصلنامه آستان هنر، ۱۹.
- امین، سید حسن (۱۳۸۵). نهضت ملی در شهرستان‌ها مطالعه موردی خراسان رضوی. مجله حافظ، ۳۳، ۳۰-۳۸. <https://ensani.ir/fa/article/202708>
- امین، سید حسن (۱۴۰۰). بیست و هشتم مرداد در سبزوار چه گذشت: خاطرات من از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، آرشیو دیار سربداران، ک. پ ۱۲۷۲.
- بیهقی، محمود (۱۳۷۷). سبزوار شهر دانشوران بیدار، مشهد: انتشارات امام، چاپ دوم.
- بیهقی، محمود (۱۳۸۳). دایرةالمعارف بزرگ سبزوار (آ-ژ)، سبزوار: انتشارات آژند، چاپ اول.
- تدینی ثانی، محسن (۱۴۰۱). سهم سبزواری‌ها در نهضت ملی شدن صنعت نفت، مجله اسرارنامه، ۶۴۳۰.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی (سال‌های ۲۳۱-۷۵۳۱)، تهران: نشر علم، چاپ سیزدهم.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳). زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی شیخ عبدالله نورانی، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
- جودکی، محبوبه (۱۳۸۸). حسینیه ارشاد. دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، چاپ اول.
- حافظی، ابراهیم (۱۳۸۷). نامه آستان قدس، آغازی بر پیدایش رسانه‌ها در نهادی نوپا، دفتر اسناد، به کوشش زهرا طلایی، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- حجازی، فخرالدین (۱۳۵۹). فخرالدین حجازی در گفتگو با اطلاعات هفتگی. مجله اطلاعات هفتگی، ۱۹۹۳.
- حجازی، فخرالدین (۱۳۷۱ / ۲/۱۰). گفتگو. روزنامه سلام، ۲۶۷.
- حجازی، فخرالدین (۱۳۶۲). سفرنامه فرنگ. تهران: انتشارات بعثت، چاپ اول.
- حجازی، فخرالدین (۱۳۶۵). سی مقاله، تهران: انتشارات بعثت، چاپ اول.
- حجازی، فخرالدین (۱۳۹۴). جنگ از دیدگاه نهج البلاغه، تهران: انتشارات بعثت، چاپ اول.
- حجازی، فخرالدین (بی تا). فخرالدین حجازی نویسنده و زبان گویای ملت. تهران: ستاد تبلیغاتی فخرالدین حجازی، چاپ اول.

- حزب جمهوری اسلامی (۱۳۵۸). زندگی‌نامه و اسامی کاندیداهای مورد تأیید حزب جمهوری اسلامی در اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی، تهران: انتشارات حزب جمهوری اسلامی.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۶). *خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی*، قم: کلبه شروق.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۸۶/۴/۱۲). «مبارزات سیاسی فخرالدین حجازی»، *اطلاعات*، ۲۳۹۴۹.
- راستگو، صادق (۱۳۸۶/۴/۷). *فریاد در سکوت: مروری بر زندگی فخرالدین حجازی، روزنامه اعتماد ملی*.
- رضوانی، حسین (۱۴۰۰). *خواسته‌های فخرالدین حجازی در سال ۱۳۳۱ از دکتر مصدق. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی*.
- *روزنامه اسرار شرق* (۱۳۳۰/۱۲/۱۲). (۱۸)۱.
- *روزنامه اسرار شرق* (۱۳۳۰/۱۰/۱۶). (۹)۱.
- *روزنامه جلوه حقیقت* (۱۳۳۱/۹/۲۷). توضیحات. ۱۶.
- زمانیان، زهیر (۱۳۹۶). *زندگینامه سیاسی و فرهنگی فخرالدین حجازی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) (۱۳۳۲). *درخواست انتشار مجدد روزنامه اسرار شرق*، آرشیو ملی ایران، ش. س ۲۹۳/۵۷۶۷، ش. ب ۱۲/۱/۱۴۳۵۶.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۷). *سیمای فرزندگان: حاوی بیش از چهل مقاله و رساله پیرامون مسائل کلامی، قرآنی، ولایی، فقهی و تاریخی*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ دوم.
- سبزواری، حمید (۱۳۹۵/۴/۲۰). *محاکمه پس از کودتای ۲۸ مرداد: بازنشر گفتگوی کیهان با استاد سبزواری*. گفتگو از بهروز ساقی، *روزنامه کیهان*، ۲۱۳۸۶.
- شمس‌آبادی، حسن (۱۳۷۵). *حجازی، فخرالدین. دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، چاپ اول.
- شمس‌آبادی، حسن (۱۳۹۴). *اسرار شرق و جلوه حقیقت؛ دو پایگاه اطلاع‌رسانی در دوره نهضت ملی در سبزواری*. *پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*، ۳ (۳)، ۳۴۳-۳۵۲.
- https://docs.aqr-libjournal.ir/article_141293.html
- شیدایی، مهدی (۱۳۸۴). *فریاد استاد در آینه اسناد. کیهان فرهنگی*، ۲۴-۲۵.
- <https://www.magiran.com/volume/25697>
- صادقی صفت، موسی‌الرضا (۱۳۹۷). *نقش خطابه در پیروزی انقلاب اسلامی با مطالعه موردی حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی*، استاد دکتر علی شریعتی و استاد فخرالدین

- حجازی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد. <http://lib.shahed.ac.ir>
- قدسی زاد، پروین (۱۳۸۵). جراید (ایران، از آغاز تا انقلاب اسلامی). *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۴۰۲). *فخرالدین حجازی*. طرح پژوهشی گروه شخصیت‌های مانا، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۷۶). سیری در مطبوعات ایران از مرداد ۱۳۳۲ تا مرداد ۱۳۳۴. *فصلنامه رسانه*، ۸(۱)، ۸۸-۹۹. <https://ensani.ir/fa/article/205067>
- گروهی از نویسندگان (۱۳۵۸). *زندگینامه کاندیداهای گروه‌های مؤتلفه اسلامی*. تهران: انتشارات سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۳). *فریاد بعثت: فخرالدین حجازی به روایت اسناد ساواک*، تهران: انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- میقانی، عباس (۱۳۸۷). *یادنامه فخر دین: به مناسبت اولین سالگرد درگذشت استاد فخرالدین حجازی*، تهران: انتشارات بعثت، چاپ اول.
- نامه آستان قدس (۱۳۳۹) *مقالات*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- نوائیان رودسری، جواد (۱۳۹۹/۱۲/۲۷). روزنامه خراسان ۱۱۲ ساله شد، ۷۲ (۲۰۶۲۳). <http://www.khorasannews.com/newspaper/page/20623/1/721838/0>
- واعظ زاده خراسانی، محمد (۱۳۷۰). *مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد واعظ زاده خراسانی*، قسمت سوم، *مجله حوزه*، ۸(۴۶)، ۴۸-۷۲. <https://ensani.ir/fa/article/65978>